استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

خواندن نماز با طلای سفید

س) اگر کسی انگشتر پلاتین بخرد بعد از مدتی متوجه شود که فروشنده طلای سفید به او داده، آیا نمازهای خوانده شده با آن انگشتر باطل است؟

ج) در فرض سؤال، نمازهای خوانده شده صحیح است و قضاء ندارد.

زیرنظر گرفتن خانم‌های بدحجاب از طریق دوربین‌های مدار بسته

س) زیرنظر گرفتن خانم‌های بدحجاب از طریق دوربین‌های مداربسته که گاه همراه با نگاه به مو و صورت آرایش کرده آنها می‌باشد، چه حکمی دارد؟

ج) نگاه کردن مرد به زن نامحرم فقط به صورت و دست‌ها تا مچ اگر بدون آرایش و زیور باشند و بدون لذت جنسی باشد، اشکال ندارد؛ و در غیر صورت و دست‌ها جایز نیست.

مصرف کردن واریزی‌های مشکوک

س) مبلغی به کارت من واریز شـــده، ولی نمی‌دانم از طرف کیست، مصرف آنچه حکمی دارد؟

ج) اگر حســـابی است که فقط درآمد خودتان به آن واریز می‌شود، مصرف آن منعی ندارد.

نماز و روزه طلاب و دانشجویان در محل تحصیل

س) افرادی که در شهر دیگری غیر از وطن خود برای شغل، تحصیل و مانند آن، مدت قابل توجهی سکونت می‌کنند؛ نمازشان در آن شهر کامل است یا شکسته؟

ج) چنانچه بخواهند به مدت یک سال یا بیشتر در شهر یاد شده ساکن باشند به‌گونه‌ای که عرفاً در آنجا مسافر محسوب نشوند، نماز در آن محل در هر صورت تمام بوده و روزه صحیح است و نیازی به قصد ده روز نیست.

خمس سرمایه و ابزار کار

س) آیا سرمایه، ابزار و آلات کار مشمول خمس می‌گردند؟

ج) ســـرمایه، ابزار، آلات و ادوات کار که درآمد آن برای امرار معاش عادی و متعارف انســـان یعنی در حد شأن اجتماعی او لازم است مثل تاکسی، وانت‌بار، ابزار نجاری و آهنگری، وسایل رایانه و... خمس ندارند.

تردید در قصد اقامت ده روز

س) من ساکن آبادان هستم برای انجام کاری به شیراز آمده‌ام و معلوم نیست چقدر بمانم، نماز را شکسته بخوانم یا کامل؟

ج) اگر می‌دانید حداقل ده روز در شیراز توقف دارید، نماز کامل است و در غیر این صورت، نماز شکسته بوده و روزه صحیح نیست، مگر اینکه سی روز مردد در آنجا بمانید که در این صورت از روز سی‌ویکم تا زمانی که از محل خارج نشده اید، نماز تمام است.

روکش طلای مدال ورزشکاران مرد

س) اگر مدال ورزشکاران مرد از جنس طلا نباشد، ولی روکش طلا داشته باشد، حکم به گردن آویختن و نماز خواندن با این حال چیست؟

ج) اگر روکش طلا داشته باشد، به گردن آویختن آن جایز نیست؛ و نماز با آن بنابر احتیاط واجب، باطل اســـت؛ اما اگر روی آن آب‌طلا داده باشـــند، اشکال ندارد.

حکایت اهل راز

از چه تقیّه کنم؟!

حجت‌الاسلام والمسلمین آقای سید حسن دُرافشان نقل کرد: منزل [آیت‌الله] مرحوم سید علی سیســـتانی(متوفای ۱۳۴۰ق)- از مجتهدین عصر مشروطه در مشهد و جد آیت‌الله سیدعلی سیستانی، مرجع تقلید کنونی نجف اشرف- بودم که معتمدالدوله با کفش، وارد اتاق ایشان شد. آقا مشغول مطالعه بود، سرش را بلند کرد و گفت: خجالت نمی‌کشی روی فرش نبوّتی با کفش وارد می‌شوی؟!

معتمدالدوله بیرون رفت، کفش خود را درآورد و وارد اتاق ایشان شد، اسلحه خود را کشید و خطاب به ایشان گفت: سیّدا با حکم قتل تو آمده‌ام. زبانت را جمع می‌کنی یا بزنم؟! آقای سیستانی سینه خود را باز کرد و گفت: بزن... بزن!

معتمدالدوله گریه‌اش گرفت و گفت: من حرامزاده نیستم... و رفت.

بعد، پسرشان آقا سید محمدباقر سیستانی وارد اتاق شد و به ایشان ایراد گرفت که: چرا تقیّه نمی‌کنی؟! مطالبی میان آنها ردّ و بدل شد و در آخر، آقا سیّد علی گفت: ... خواب دیدم در خرابه شام هستم و مادرم فاطمه(س) فرمود: بگو و نترس! ما نگهدار تو ایم. بنابراین، از چه تقیّه کنم؟!

کتاب: خاطره‌های آموزنده، نوشته آیت‌الله محمدی ری‌شهری
انتشارات دارالحدیث قم

من به این دانشجویان قول داده‌ام!

وقتی [علامه محمدتقی جعفری] برای سخنرانی دعوت می‌شدند، اصلاً برایشان مهم نبود که جایی بروند که مثلاً دو هزار نفر بیایند.

یادم می‌آید قرار بود برای گروهی از دانشـــجویان دانشـــگاه آزاد یکی از شـــهرهای شمال کشور سخنرانی کنند. چند روز قبل از اینکه ایشان بخواهند برای سخنرانی به آن شهر بروند، سمیناری در انگلستان در حوزه اسلام‌شناسی برگزار شده بود و مسئولان از ایشان خواسته بودند آنجا بروند و سخنرانی کنند؛ اما ایشان نرفتند و گفتند: «[آن‌نشست] با این روز که من قول دادم تلاقی می‌کند. من به این بچه‌ها قول داده‌ام، به این دانشجویان قول داده‌ام، اینها منتظر من هستند. من نمی‌روم، یکی دیگر لندن برود.» اگر کسی واقعاً اخلاص نداشته باشد، چه می‌کند؟ دلیل می‌تراشد که آنجا سمینار جهانی است و اینجا محلی، اما ایشان که هدف‌شان هدف الهی بود، می‌دانستند کسی که اخلاص دارد، باید روابط اجتماعی‌اش نیز درست باشد و گفتند: «من قولی داده‌ام و باید به این قول وفا کنم.»

کتاب «با کاروان معرفت»، نوشته عبدالله نصری، صص ۱۳۳ و ۱۳۴

با توجه به میزان مصالح و مفســـده‌ای که بر هر فکر و عملی مترتب می‌شود، اســـلام به ارزش‌گذاری آنها پرداخته است. حال اگر به‌گونه‌ای رفتار شود که ارزش‌ها جابه‌جا شود و اصول جای فروع بنشیند و یا گناه کبیره به جایگاه صغیره درآید و امور کم‌اهمیت و نمادها اهمیت بیشتری یافته و امور با اهمیت و اصول بنیادین و استوانه‌های اصلی اسلام بی‌ارزش یا کم‌ارزش شوند، اینجاست که باید گفت که اسلام را همچون پوستین وارونه به تن مسلمانان پوشانیده‌اند.

نشانه‌های اســـلام وارونـــه

یکی از مشکلات جهان اسلام، رفتارهای نادرست گروه‌های داخلی است که عامل تفرقه میان امت و تضعیف انسجام اسلامی و اتحاد و قدرت و اقتدار جامعه و نظام اسلامی است. مشکل در اینجاست که این گروه‌ها نه‌تنها مشـــکلی از مشکلات امت اسلام و دولت حل نمی‌کنند، بلکه با بدرفتاری‌ها و کج‌سلیقگی‌های خود موجب می‌شوند که مسلمانان در تفرقه و مشکلات بیشتری غرق شده و هزینه‌های گزافی را متحمل شوند و فهم‌شان از اسلام، وارونه و جاهلانه باشد.

در مطلب حاضر به برخی شـــاخصه‌های اسلام وارونه اشاره شده است.

***

پوستین وارونه اسلام

اسلام مجموعه‌ای از آموزه‌های معرفتی و رفتاری است که بینش و نگرش مســـلمانان را می‌سازد. این مجموعه خود به دلیل تفاوت در تاثیر بر شخصیت انسان و جامعه دارای سطوح ارزشی متفاوتی است. به این معنا که همه ایـــن مجموعه در حوزه معرفتـــی و احکام عملی در یک دســـته قرار نمی‌گیرند، بلکه به سبب همان تاثیراتی که برای هریک از آنها متصور و متوقع است، دارای ارزش‌های متفاوت اســـت و می‌توان آنها را به دسته‌هایی چون اهم، مهم و کم‌اهمیت تقسیم کرد.

از این‌رو در دســـته‌بندی‌هایی که پیشوایان و عالمان اســـلامی از مجموعه‌های معرفتی و احکام اســـلامی ارائه داده‌اند، برخی به عنوان اصول دین و فروع دین و بعضی به عنوان اصول حاکم و نهادهای اصلی و استوانه اساسی معرفی می‌شوند و برخی دیگر به عنوان نمادهای اسلامی در دسته پایین‌تر قرار می‌گیرند به‌گونه‌ای که می‌توان حتی در بسیاری از موارد آنها را فدای اصول کرد. در میان احکام اســـلامی که تکالیف روزانه مسلمانان را تعیین می‌کند دسته‌بندی پنج‌گانه‌ای مطرح است. در این دسته‌بندی مصالح مهم‌تر و اساسی‌تر به عنوان واجب و کم‌اهمیت‌تر به عنوان مستحب و کم‌اهمیت یا بی‌اهمیت به عنوان مباح مطرح شده است. در مقابل، مواردی که در آنها مفسده، قوی‌تر است به عنوان حرام دانسته و از آن نهی شده و آنچه دارای مفسده‌ای کمتر است به عنوان مکروه معرفی شده است.

خداوند یکی از اصول اخلاقی بنیادیـــن را حتی در برخورد با کافران این می‌داند که به دشمنان دشنام ندهند حتی اگر آنچه را مقدس می‌شمارند، از قداستی برخوردار نباشد؛ چرا که چنین عملی واکنش تند دشمنان را در پی خواهد داشت و آنان را تشویق می‌کند تا به ناحق علیه قداست‌های حقیقی، موضع‌گیری کرده و به مقدسات پاک و سالم اسلامی دشنام دهند.

درجه اهمیـــت و تاثیر هر حکمی در زندگی بشـــر تعیین‌کننده ارزش و اهمیـــت آن خواهد بود و این‌گونه نیســـت که سطوح ارزشی هر معرفت و حکمی با دیگری برابر باشد. لذا مخالفت با برخی از معارف و اصول و احکام به معنای ارتداد و خروج از دین اسلام معرفی می‌شود که درباره اصول دین این‌گونه است، در حالی که در مخالفت با معارف و اصول دیگر این‌گونه نیســـت. برخی از گناهان یعنی مخالفت‌ها با احکام اسلامی از جمله ارتکاب مثلاً قتل و زنا به عنوان گناه کبیره معرفی شده و به مرتکب آن وعده دوزخ و عذاب دردناک داده شده است، در حالی که برخی دیگر از گناهان به عنوان گناه صغیره معرفی می‌شود.

بنابراین، با توجه به میزان مصالح و مفسده‌ای که بر هر فکر و عملی مترتب می‌شـــود، اسلام به ارزش‌گذاری آنها پرداخته اســـت. حال اگر به‌گونه‌ای رفتار شـــود که ارزش‌ها جابه‌جا شود و اصول جای فروع بنشیند و یا گناه کبیره به جایگاه صغیره درآید و امور کم‌اهمیت و نمادها اهمیت بیشـــتری یافته و امور با اهمیت و اصول بنیادین و استوانه‌های اصلی اســـلام بی‌ارزش یا کم‌ارزش شوند، اینجاســـت که باید گفت که اســـلام را همچون پوستین وارونه به تن مسلمانان پوشانیده‌اند.

نتیجه چنین وارونگی آن است که اسلام نه‌تنها ناتوان از تحقق اهداف متعالی و کمالی خواهد شد بلکه به سبب همین ناتوانی، زشـــت و بی‌مصرف خواهد شد و نمی‌توان امید داشت با چنین اسلامی سعادت اخروی تامین شود چه رسد که بتوان یک نظم و سعادت دنیوی ابتدائی مبتنی بر آن پدید آورد. از زمانی که در سقیفه بنی‌ساعده پوستین اسلام وارونه شد و این‌گونه بر تن مسلمانان پوشاندند، از همان زمان زاویه گرفتن از حق و حقیقت آغاز شـــد و در نهایت به جایی رسید که اسلام کارآمدی خود را از دست داد و به ضد خود تبدیل شد. از این‌رو جهان اسلام نه‌تنها رنگ ســـعادت دنیوی را به خود ندیده بلکه هر روز آتش تفرقه‌ای جان و مال و عرض مســـلمانان را تهدید کرده و ســـوزانده است. امروز در جهان اسلام بیش از هر جامعه کافر دیگری بلایا و بدبختی‌ها و کشتارها موج می‌زند، زیرا پوستین وارونه اسلام نه‌تنها جامعه را از بلایا و درگیری‌های درونی دور نمی‌کند بلکه زشتی‌های بیشتر و فزون‌تری را سبب می‌شود؛ چرا که پوشش وارونه باید نتیجه‌ای عکس دهد که چنین نیز است.

اسلام تفرقه‌ساز

اسلام وارونه به جای اینکه اطاعت از ولایت پیامبری را موجب شود، به مبارزه با او برمی‌خیزد و پیامبرکش می‌شود. خداوند گزارش می‌کند که گروهی از مدعیان دروغین حریم اسلام و ولایت نبوی، هنگامی که دریافتند که پیامبر(ص) برای پس از خویش وصی انتخاب می‌کند و می‌خواهد او را به عنوان جانشین معرفی کند، بر آن شدند تا پیامبر(ص) را ترور کنند. حلبی در کتاب سیره خود و واقدی در کتاب مغازی و دیگر از مورخین سنی و شیعه با مختصر اختلافی از حذیفهٔ بن یمان و دیگران روایت کرده‌اند که گروهی از منافقان توطئه کردند تا در مراجعت از تبوک پیغمبر اسلام را ترور کنند، به این ترتیب که در یکی از گردنه‌هایی که سر راه است شتر آن حضرت را رم دهند تا رسول خدا(ص) را به دره افکند. در بسیاری از روایات است که آنها دوازده نفر بودند، هشـــت تن از قریش و چهار تن از مردم مدینه ولی خدای تعالی به وسیله جبرئیل جریان توطئه آنها را به اطلاع رسول خدا(ص) رسانید و ایشان چون به گردنه نخست رسید به لشکرشان دستور داد هر که می‌خواهد از وسط بیابان عبور کند چون بیابان وسیع است، ولی خود آن حضرت مســـیرش را از بالای دره قرار داد و عمار بن یاسر را مأمور کرد تا مهار شتر را از جلو بکشد و به حذیفه نیز دستور داد از پشت سر شتر بیاید.

شـــب هنگام بود و رسول خدا(ص) تا بالای دره آمده بود، منافقانی که قبلاً خود را آماده کرده بودند تا نقشه خود را عملی سازند جلوتر خود را به اطراف آن گردنه رسانده و برای آنکه شناخته نشوند سر و صورت خود را با پارچه‌ای بســـته بودند، همین که شتر به بالای گردنه رسید چند تن از آنها از عقب، خود را به شتر پیغمبر رساندند، رسول خـــدا(ص) به آنها نهیبی زد و به حذیفه فرمود: با عصایی که در دست داری به روی شتران ایشان بزن.

حذیفه پیش رفت و عصای خود را به روی شتران آنها زد و آنان که پیش خود حدس زدند پیغمبر خدا از طریق وحی از توطئه آنها با خبر شده دچار وحشت و رعب شدند و درنگ را جایز ندانسته، گریختند و در نقلی است که رسول خدا(ص) بر آنها نهیب زد و آنها گریختند. این واقعه را در متون روایی و تاریخی می‌توان به تفصیل یافت.(الجرح و التعدیل، ج۹، ص۸؛ تاریخ اســـماء الثقات، ج۱، ص۲۴۵؛ میـــزان الاعتدال، الذهبـــی، ج ۴، ص ۳۳۷- دارالمعرفهٔ؛ عون المعبود- العظیم آبادی- ج ۱۱- ص ۳۲۱- دارالکتب العلمیهٔ؛ الشرح الکبیر- عبد الرحمن بن قدامه- ج ۱- ص ۳۹۰- دار الکتاب العربی) حتی مسلم در صحیح خود نیز از او حدیث نقل می‌کند که بیانگر پذیرش وثاقت اوست. (صحیح مسلم، ج۳، ص۱۴۱۴، باب الوفاء بالعهد)

خداوند در آیه ۶۷ ســـوره مائـــده از این توطئه خبر می‌دهد و از پیامبر(ص) می‌خواهد با اینکه احتمال ترور می‌رود باید اقدام به معرفی امیرمؤمنان علی(ع) به عنوان جانشین و وصی خود بکند و از کسی نهراسد: ای پیامبر، آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، ابلاغ کن و اگر نکنی پیامش را نرسانده‌ای و خدا تو را از گزندِ مردم نـــگاه می‌دارد. آری، خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند. (مراجعه شود به تفاسیر و شأن نزول آیه)

بنابراین، اسلام وارونه‌ای که برخی انتخاب می‌کنند، تامین‌کننده ســـعادت دنیا و آخرت مردمان نیست، ولی وسوسه‌های شیطانی و هواهای نفسانی موجب می‌شود تا آن را برگزینند و حتی به قتل پیامبران اقدام کنند که توطئه ترور پیامبر(ص) یکی از این اقدامات است.

مهم‌ترین ویژگی‌ها و نشانه‌های اسلام وارونه

در آیات قرآن و روایات اسلامی ویژگی‌ها و نشانه‌هایی برای کسانی که اسلام وارونه را انتخاب و تبلیغ می‌کنند، بیان شده است. اینان که در شمار منافقان و کافران واقعی هستند با پذیرش ظاهری اسلام می‌کوشند تا اسلام را از کارآمدی ساقط کنند و مقاصد زشت و پست دنیوی خود را از طریق دین دروغین به دست آورند. البته در این میان گروهی از مردم به ســـبب جهالت و پیروی کورکورانه در همان مسیری گام برمی‌دارند که شیاطین و اولیای آنان ترسیم کرده‌اند. در این‌جا به برخی از مهم‌ترین نشانه‌ها و صفات مدعیان دروغین اسلام اشاره می‌شود.

۱. نمادگرایی به جای توجـــه به اصول: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و صفات مدعیان دروغین آن است که به نمادها و ظواهر دین بیش از اصول و پایه‌های آن توجه دارند و برای آنان ظواهر و نمادها از چنان اهمیتی برخوردار است که حتی به جنگ رهبران و پیشوایان مصلح اسلامی می‌روند. اینان حتی گاه به پیامبر(ص) اعتراض می‌کنند که چرا چنین و چنان می‌کند؟ (صحیح البخاری، ج۴، ص۶۱ ـ صحیح مسلم، ج۳، ص۱۰۹) یا در برابر نص پیامبر(ص) اجتهاد می‌کنند و اجتهاد خود را بر نصوص و تصریحات پیامبر(ص) مقدم می‌دارند.(صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۵۱- کامل‌ابن اثیر، ج ۲، ص ۳۱؛ شـــرح زرقانی بر موطأ مالک، ج ۱، ص ۲۵؛ تفسیر فخر رازی، ذیل آیه ۲۴، سوره نساء؛ و نیز النص و الإجتهاد، تالیف عبدالحسین شرف الدین)

اسلام وارونه‌ای که اینان معرفی و در جامعه اسلامی نهادینه کردند، اسلامی است که برخلاف اصل اولی که باید مدافع عدالت و مظلوم باشد در کنار ظالم و مستکبران علیه مستضعفان است. با اینکه خداوند فلسفه بعثت پیامبران و ارسال کتب آسمانی را عدالت معرفی می‌کند،(حدید، آیه ۲۵) اسلام دروغین اینان مدافع ظالم است. چنین اسلامی

امروز در جهان اسلام بیش از هر جامعه کافر دیگری بلایا و بدبختی‌ها و کشتارها موج می‌زند، زیرا پوستین وارونه اسلام نه‌تنها جامعه را از بلایا و درگیری‌های درونی دور نمی‌کند بلکه زشـــتی‌های بیشتر و فزون‌تری را ســـبب می‌شود؛ چرا که پوشش وارونه باید نتیجه‌ای عکس دهد که چنین نیز است.

است که امام حسین(ع) را در قیام علیه ظلم و ظالم همراهی نمی‌کند، بلکه همچنان به انجام اعمال بی‌محتوای نماز و حج و روزه می‌پردازد.

این در حالی اســـت کـــه مقبولیت و تمامیت نماز به پذیرش ولایت و امامت اســـت؛ چرا که بارها روایت شده که: من تمام الحج لقاء الامام، و من تمام الصلاة لقاء الامام؛ تمامیت حجّ و تمامیت نماز به ملاقات کردن با امام است. (عیون أخبار الرّضا، ج ۲، ص ۲۹) اما اسلام وارونه، نماز را بی‌ولایت تجویز کرده است و از هر گونه حرکت سیاسی و همراهی با ولایت و امامت بازمی‌دارد. از این‌رو شکستن چنین دیواری دروغین از اسلام از وظایف امام حسین(ع) می‌شود و ایشان حج خویش را ناتمام می‌گذارد و در حالی که همه به ظاهر در طواف خانه خدا هستند، آن حضرت به طواف خدا می‌رود و برعکس حرکت جامعه، تغییر جهت می‌دهد و حج مسلمانان ظاهربین را به سخریه می‌گیرد و آن را ناتمام می‌شمارد.

۲. توجه بـــه امام مرده و گرایش به واقفیت: در اسلام وارونه و دروغین، امام زنده خوب نیست، بلکه امام مرده از چنان قداســـتی برخوردار است که می‌توان امام زنده را به پایش و گنبد و بارگاهش قربانی کرد. از این‌رو در بنی‌اسرائیل همواره پیامبرکشی شیوه و آیین همیشگی آنـــان بوده اســـت.(بقره، آیه ۶۱؛ آل‌عمـــران، آیات ۲۱ و ۱۱۲؛ مائده، آیه ۷۰) آنان همواره پیامبر مرده را دوســـت می‌داشـــتند؛ چرا که پیامبر مرده آنان را به امری فرمان نمی‌داد و یا از کار زشتی بازنمی‌داشت. این در حالی است که امام زنده همواره نسبت به امور حادث جامعه احکامی دارد و بـــه اموری فرمان می‌دهـــد و از اموری بازمی‌دارد. سنت پیامبرکشی و امام‌کشی و سپس قداست بخشیدن به آنان امری است که در طول تاریخ از آدم(ع) تا خاتم(ص) وجود داشته است. این رویه‌ای است که مسلمانان دروغین را از ورود به معرکه‌های ســـخت بازمی‌دارد و مسئولیت‌ها را از دوش‌شان برداشته و آنان را آزاد از مسئولیت در برابر پیامبران قرار می‌دهد. این‌گونه است که حضرت داود(ع) و نیز حضرت مسیح(ع) بنی‌اسرائیل و یهود را نفرین می‌کند؛ چرا که هرگز مطیع پیامبر زنده و زمان خود نبودند.(مائده، آیه ۷۸) عادت این‌گونه افراد این است که هرآنچه مخالف هواهای نفسانی آنان باشد را انکار کنند و به مخالفت با آن برخیزند و به ادعای پیروی از پیامبران و امامان پیشـــین بـــه مبارزه و انکار پیامبران و امامان حاضر بپردازند.(بقره، آیه ۸۷) همین رویه موجب شـــده که در میان مسلمانان همواره گروهی هواپرست باشند که با امامان زنده مخالفت و مبارزه می‌کردند. داستان واقفی شدن گروهی از شیعیان امام موسی(ع) معروف و مشهور است. می‌گویند که علی بن ابی حمزه بطائنی، زیاد بن مروان قندی و عثمان بن عیسی رواسی که مسئولیت وکالت و گردآوری اموال امام موسی کاظم(ع) را داشتند در امامت آن حضرت توقف می‌کنند و ولایت و امامت علی بن موسی الرضا(ع) را نمی‌پذیرند.(نجم الثّاقب، باب چهارم، ص ۲۱۵) در دوران ما نیز برخی با تاکید بر امام خمینی(ره) ولایت شرعی نایب امام زمان(عج) را نمی‌پذیرند و به انکار رهبری می‌پردازند و از ایشان اطاعت نمی‌کنند. اینان به دروغ مدعی ولایتمداری بوده و ولایت را در امام خمینی(ره) خلاصه کرده و به دعوای دروغین به نام امام خمینی به جنگ امام خامنه‌ای می‌روند.

۳. افســـادگرایی با نـــام اصلاح‌طلبی: از دیگر ویژگی‌های مدعیان دروغین اسلام آن است که به عنوان دفاع از اسلام و مسلمانان و مردم و در قالب شعارهای زیبا و نیک به فسادانگیزی می‌پردازند. از این‌رو به نام دفاع از اسلام جنگ شیعه و سنی راه می‌اندازند و به جای اینکه بر اصول وحدت میان مسلمانان که فرمان خداوند است تاکید کنند بـــه دنبال تقویت موارد اختلافی می‌پردازند و به آن دامن می‌زنند. در زمانی که کفار، مسلمانان را می‌کشند آنان به بهانه احیای شعائر مذهبی به دشمنی میان مسلمانان دامن زده و سب و لعن اموری می‌کنند که از نظر دیگر مسلمانان مقدس اســـت. جالب اینکه خداوند یکی از اصول اخلاقی بنیادیـــن را حتی در برخورد با کافران این می‌داند که به دشمنان دشنام ندهند حتی اگر آنچه را مقدس می‌شمارند، از قداستی برخوردار نباشد؛ چرا که چنین عملی واکنش تند دشمنان را در پی خواهد داشت و آنان را تشویق می‌کند تا به ناحق علیه قداست‌های حقیقی، موضع‌گیری کرده و به مقدسات پاک و سالم اسلامی دشنام دهند.(انعام، آیه ۱۰۸) مدعیان دروغین اسلام با رویه ضداخلاقی و اسلامی خود، تخم بدبینی و دشمنی را در میان مسلمانان می‌افکنند و زمینه شـــکاف و در نهایت شکست امت اسلام را فراهم می‌آورند. برگزاری آیین‌ها و مراســـم به نام اهل‌بیت(ع) و یا دفاع از حریم ولایت گاه در قالب‌های زشت و زننده‌ای صورت می‌گیرد که انســـان از بیان آن شرم می‌کند، چه رسد که از آن دفاع کرده و به عنوان امری اخلاقی بپذیرد و به عنوان اسلام با آن موافقت کند. ولایت‌ستیزی واقعی را باید در همین گروه جست‌وجو کرد که با دفاع ناقص و یا نادرست، هرگونه زیبایی را از مکتب اهل‌بیت(ع) می‌زدایند در حالی که اگر تنها به بیان زیبایی‌های کلام ایشان بسنده می‌کردند، خودبه‌خود قلوب مردمان به سوی اهل‌بیت(ع) و مکتب ایشان کشیده می‌شد، چنان‌که امام رضا(ع) خود به‌صراحت به آن اشاره کرده است.(معانی الأخبار، ص ۱۸۰)

این شیوه منافقانه که برخی در پیش گرفتند و به نام ولایت امام زمان(عج) به جنگ نایبان آن حضرت می‌آیند، چیزی جز افسادگری نیست که به نام ولایت و اصلاح‌طلبی در دین انجام می‌گیرد.(بقره، آیات ۸ تا ۱۱) اینان اسلامی را می‌خواهنـــد که آنـــان را به حضور در میادین نظامی و اجتماعی و سیاســـی نخواند و به بذل مال و جان فرمان ندهد. از نظر ایشـــان اســـلام تنها دو زمان کوچک یعنی عصر پیامبر(ص) و عصر ظهور امام زمان(عج) می‌بایست مورد اســـتفاده قرار گیرد و همه احـــکام و قوانین آن در فضای میان این دو تعطیل شود. چنین تفکری است که در حقیقت پوستین وارونه بر اسلام پوشانده و حرکت‌های امام حسین(ع) را در عمل تخطئه می‌کند. از این‌رو حاضرند به ظاهر در مساجد آیات و روایات خوانده شود ولی درباره جری و تطبیق علمی آنها در این زمان سخنی گفته نشود و مصادیق امروزی آن از طریق اجتهاد اصولی و پویا بیان نشود تا آنان به قول خودشان دین و آخرت‌شان را با مسائل دنیوی مخلوط نسازند. چنین تفکری است که اسلام وارونه را تقویت می‌کند و بنیاد آنچه در ســـقیفه ریخته شده را مستحکم و استوار می‌کند در حالی که مدعی مسلمان بودن هستند در صف اولیای شیطان قرار می‌گیرند. سخن گفتن درباره ویژگی‌ها و نشانه‌های مدعیان دروغین اسلام بسیار است ولی می‌توان با همین نشانه‌هایی که گفته شد شیوه عمل آنان را دریافت و آنان را در جامعه اسلامی شناسایی و طرد اجتماعی کرد تا همچون سامری فریاد لامساس(با من تماس نگیر)(طه، آیه ۸۷) سردهند و به میان جامعه برنگردند و رهبری جامعه و امت اسلام را به عهده نگیرند.

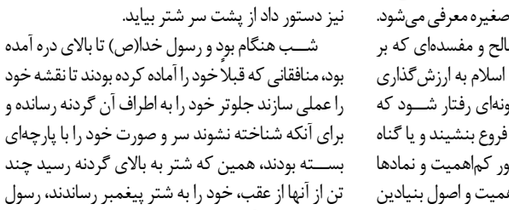

ارتباط ناهنجاری‌های اجتماعی با حـــرام‌خـــواری

شـــبهه: چه‌مقدار می‌توان ناهنجاری‌های اجتماعی را به مال و غذای حرام مربوط دانست؟ چون برخی تـــا از معضلات اجتماعی صحبت می‌شود می‌گویند لقمه‌ها خراب شده و شکم‌ها از حرام پر شده است!

پاسخ: در آموزه‌های دینی، غذای حرام به عنوان یکی از عوامل مهم در بروز ناهنجاری‌ها، مصیبت‌ها و مشکلات در زندگی فرد و اجتماع مطرح شده است.

این باور وجود دارد که مصرف مال حرام، چه از طریق کسب‌وکار نامشروع و چه از راه تصرف در اموال دیگران، تأثیرات منفی بر روح و روان انسان می‌گذارد و زمینه‌ساز بروز مشکلات و گرفتاری‌ها در دنیا و آخرت می‌شـــود. قرآن، حرام‌خواری را یکی از بدترین کارها معرفی کرده است.

این باور وجود دارد که مصرف مال حرام، چه از طریق کسب‌وکار نامشروع و چه از راه تصرف در اموال دیگران، تأثیرات منفی بر روح و روان انسان می‌گذارد و زمینه‌ساز بروز مشکلات و گرفتاری‌ها در دنیا و آخرت می‌شود. قرآن، حرام‌خواری را یکی از بدترین کارها معرفی کرده است. چنان‌که می‌فرماید: «بسیاری از آنان را می‌بینی که در گناه و تعدّی و خوردن مال حرام، شتاب می‌کنند! چه زشت است کاری که انجام می‌دادند!»[1] خداوند متعـــال در این آیه یکی از صفات یهودیان را خوردن مال حرام بیان می‌کند. پس غیر از تحصیل گناه و ستم کاری، به حرام‌خواری هم عادت داشتند.

قساوت قلب و مقابله با اولیای الهی و امامان

یکی از ناهنجاری‌هایی که در عالم زیاد اســـت مسئله قساوت قلب و سنگدلی است که زمینه انواع و اقسام جنایات است. یکی از عوامل مهم قساوت قلب همین مال حرام است. در کربلا سیدالشهدا(ع) یکی از عواملی که برای انحراف لشکریان مقابل شمرده است همین حرام‌خواری اســـت: «کُلُکُمْ عَاصٍ لِأَمْرِی غَیْرُ مُسْتَمِعٍ قَوْلِی فَقَدْ مُلِئَتْ بُطُونُکُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَ طُبِعَ عَلَی قُلُوبِکُمْ وَیْلَکُمْ أَلَا تُنْصِتُونَ أَلَا تَسْمَعُونَ؛ همه شما (به علّت مخالفت با من) گناهکارید و گوش شنوایی برای سخنان من ندارید. شکم‌های شما از حرام پر شده و در نتیجه بر دل‌های شما مهر زده شده (و سخن حق در دل شـــما نفوذ نمی‌کند). وای بر شما! آیا ساکت نمی‌شـــوید؟! آیا گوش فرا نمی‌دهید؟!»[2] با دقت در این سخنان نورانی امام حسین(ع) درباره موضوع مورد بحث، به این نتیجه می‌رسیم که تغذیه حرام و پذیرش هدایای نامشروع و خلاصه، زندگی کردن با مال حرام آثـــار منفی فراوانی از نظر روحی و معنوی در زندگی دنیوی و اخروی انسان باقی می‌گذارد.

سستی در عبادات و کارهای خیر بر اثر حرام‌خواری

حرام‌خواری مهم‌ترین عامل و زمینه‌ساز کاهلی و ســـستی در عبـــادت و در نهایت ترک آن اســـت، افرادی که از راه ریا، رشوه، قمار، گران‌فروشی، احتکار، شراب‌فروشی، موادمخدر و تصرف در اموال مردم، شکم خود و خانواده را سیر می‌کنند، دین و دنیای خود را تباه می‌کنند. چنین افرادی دیگر میلی به عبادت نخواهند داشت و دوری از خدا انسان را به هر بزهکاری یا فساد نزدیک می‌کند.

دشمنی و بغض و روابط ناسالم با دیگران

از اثرات منفی و بزرگ‌ترین ناهنجاری‌های جوامع، وجود خشونت و خشم و دشمنی بین مردم و شهرها و کشورهاست. قرآن می‌گوید یکی از عوامل این دشمنی شیطان است که از این طریق حرام‌خواری به هدف خود می‌رسد: «همانا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار میان شـــما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد پس آیا شما دست برمی‌دارید.»[3]

عوامل دیگر ناهنجاری‌ها

نکته مهم این است این اثرات و ناهنجاری‌ها تنها علتش لقمه حرام نیست. یکی از عواملش لقمه حرام است. عوامل دیگری مانند محیط و اطرافیان ناصالح، تصمیمات و گناه‌های دیگر و... هم تاثیرگذار است. بنابراین نباید تصور شود اگر جایی ناهنجاری بود حتما حرام‌خواری اتفاق افتاده یا اگر کسی حلال‌خور بود دیگر هیچ مشکل و ناهنجاری نخواهد دید و نخواهد داشت. آنچه بیان شد اثرات لقمه حرام مانند دزدی کردن، مال‌یتیم خوردن، معامله ربوی، کم‌فروشـــی و احتکار و... اســـت. اما اساساً مراقبت نسبت به مال حرام و لقمه، دلیل نمی‌شود که انسان به هر لقمه‌ای شک کند مثلاً برخی افراد بی‌حجاب یا بی‌نمازند ولی از کجا معلوم که فرد بی‌نماز، کسب‌وکارش هم حتماً حرام باشـــد؟ این امر ممکن است انسان را به سوی سوءظن سوق دهد.

حرام‌خواری مهم‌ترین عامل و زمینه‌ســـاز کاهلی و سستی در عبادت و در نهایت ترک آن است، افرادی که از راه ریا، رشوه، قمار، گران‌فروشی، احتکار، شراب‌فروشی، موادمخدر و تصرف در اموال مردم، شکم خود و خانواده را سیر می‌کنند، دین و دنیای خود را تباه می‌کنند. چنین افرادی دیگر میلی به عبادت نخواهند داشت و دوری از خدا انسان را به هر بزهکاری یا فساد نزدیک می‌کند.

برای مطالعه بیشتر:

- نقش غذای حلال و حرام در انسان در آیات و روایات و حکایات، اثر نعمت‌الله حسینی.

پی نوشت‌ها:

۱. مائده، آیه ۶۲. ۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۵، ص ۸. ۳. مائده، آیه ۹۱.

محمدهادی خالصی

چراغ راه

نظام هستی براساس علل و اسباب است نه رضایت افراد

قال الامام علی(ع): «انّ الله سبحانه یجری الامور علی ما یقتضیه لاعلی ما ترتضیه».

امام علی(ع) فرمود: همانا خدای ســـبحان امور را براساس مقتضیات خود جاری می‌کند نه بر وفق رضای تو![1]

۱- غررالحکم، ح ۳۴۳۲

حکایت خوبان

نگاه معنوی به آثار بلاء در جسم، مال و فرزند

پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «پیوسته بلاء در جسم و مال و فرزندِ زن و مرد مؤمن باشد تا اینکه خدا را ملاقات کند و گناهی بر او نباشد».[1]

همچنین آن حضرت در حدیثی دیگر می‌فرماید: بلای بزرگ به اجر بزرگ پاداش داده می‌شود، و هرگاه خدا بنده‌ای را دوست بدارد، او را به بلای بزرگ گرفتار می‌سازد، پس هرکه به بلاء راضی شود، خدا از او را